

نشست‌های برگزار شده در
دانشکده مدیریت و حسابداری

عنوان نشست: نقد و بررسی ساختار نظارتی بازار سرمایه ایران

شناسنامه نشست	
واحد برگزار کننده نشست:	دانشکده مدیریت و حسابداری
مسئول نشست:	دکتر امیرحسین ارضاء (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۴۰۰/۰۹/۳۰
اعضای هیئت علمی:	دکتر مسلم پیمانی، دکتر محمدعلی دهقان دهنوی، دکتر محمدجواد محقق‌نیا (اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر قاسم محسنی (عضو سابق هیئت مدیره سازمان بورس و شورای عالی بورس)، روح‌الله میرصانعی (دبیر کل کانون کارگزاران بورس)، حسین خزلی (دبیر کل اسبق کانون کارگزاران و کارشناس بازار سرمایه)
مسئله محوری نشست:	اصلاح قانون بازار اوراق بهادار و ارکان بازار سرمایه
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	وزارت امور اقتصادی و دارایی، کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی

چکیده مباحث طرح شده:

پس از تصویب قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران در آذر ۱۳۸۴ بازار سرمایه ایران وارد مرحله جدیدی گردید. پیاده‌سازی سیاست‌های اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی و ورود شرکت‌های معظم به بازار سرمایه گام ابتدایی در رشد بازار بود، اما در سال‌های گذشته افزایش ضریب نفوذ بازار سرمایه در خانواده‌ها و آحاد جامعه، اهمیت بازار سرمایه را دوچندان کرده است. در نتیجه ساختار نظارتی بازار سرمایه موضوع مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. از این رو در این نشست از افراد متخصص دعوت به عمل آمده که پس از آسیب‌شناسی وضع موجود، راهکارهای عملیاتی خود را برای کارآمدی هرچه بهتر ساختار نظارتی بازار سرمایه ایران ارائه کنند.

توضیح دقیق اهداف نشست همراه با ذکر چالش‌ها و مشکلات پیش‌رو و خلاصه دیدگاه‌های مطرح در این باره:

با توجه به نقش مهم بازار سرمایه در فرایند توسعه اقتصادی کشور و توجه ویژه اسناد بالادستی به این بازار، هم‌اندیشی در خصوص بهبود فرایندها و تقویت ارکان بازار می‌تواند موضوع مهمی باشد. در این راستا هدف از برگزاری نشست فوق، نقد و بررسی ساختار نظارتی به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان بازار سرمایه بود. قانون بازار سرمایه در سال ۱۳۸۴ تصویب و به اجرا درآمد و در ۱۶ سال گذشته مبنایی برای رکن ناظر بازار بوده است. با توجه به تحولات سال‌های گذشته، درجه اهمیت و نفوذ بازار سرمایه در کیک تأمین مالی و اقتصاد کشور بزرگ‌تر شده است. وابستگی بخشی از بودجه دولت به تأمین مالی از بازار سرمایه (از طریق انتشار اوراق و واگذاری سهام شرکت‌ها) و ورود آحاد مردم چه به صورت مستقیم (جریان نقد ورودی در سال‌های ۹۸ و ۹۹) و چه به صورت غیرمستقیم (آزادسازی سهام عدالت)، سطح اهمیت بازار را در بین تصمیم‌سازان اقتصادی کشور افزایش داده است. به عبارتی دیگر ذی‌نفعان بازار سرمایه نسبت به ۱۶ سال قبل که این قانون تصویب شد تغییر کرده و شکلی جدید به خود گرفته‌اند. حال سؤال اینجاست که آیا ظرفیت‌های قانونی و فرایندهای نظارتی

که در سال‌های گذشته اجرا شده، توانایی پوشش نیازهای جدید را دارند یا همگام با توسعه ابزاری بازار باید به سمت توسعه حقوقی و قانونی حرکت کرد؟

مدتی است که فرایند اصلاح قانون بازار سرمایه در کمیسیون اقتصادی مجلس کلید خورده و لزوم بررسی‌های اندیشمندانه و جامع به صورت مطالعاتی یا مشارکت نهادهای تخصصی همانند دانشگاه، در این فرایند بیش از پیش احساس می‌شود. همواره در فرایند اصلاح قوانین، ابتدا مطالعات و آسیب‌شناسی انجام شده و با مطالعه ظرفیت‌های موجود در سایر کشورها و همچنین تبادل اطلاعات با صاحب‌نظران قوانین جدید وضع شده و فرایندهای اجرایی آن بر اساس رویه‌های پیش‌بینی شده نوشته می‌شود. در این بخش دو سؤال مهم مطرح است. اول اینکه با توجه به تفاوت ساختاری بین بازار سرمایه ایران و کشورهای دیگر، چه کشورهایی می‌توانند به عنوان نمونه بررسی انتخاب شوند؟ دوم اینکه در صورت نیاز قانون‌گذار و تصمیم‌گیران به مشورت، آیا اتاق فکر مشخصی برای تبادل نظر وجود دارد که علاوه بر مشورت‌های ساختاری، نیاز همه ذی‌نفعان بازار سرمایه را لحاظ کند؟

علاوه بر مباحث مربوط به قانون بازار سرمایه، موضوعات مهم دیگر در خصوص فرایندهای اجرایی وجود دارد که در سال‌های گذشته تصمیم‌گیری در خصوص آن با چالش‌های جدی مواجه بوده است. موضوعاتی چون اصلاح ساختار اجرایی سهام عدالت، ریزساختارهای بازار سرمایه، نقش بازار سرمایه در تأمین مالی بنگاه‌ها، نقش بازار سرمایه در اجرایی کردن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و بین‌المللی شدن بورس موضوعات مهمی هستند که در فرایند تصمیم‌گیری آن نیاز به بررسی‌های همه‌جانبه و در نظر گرفتن همه ذی‌نفعان بازار خواهد بود. با توجه به مطالب بیان شده چند سؤال مهم دیگر مطرح می‌شود. اول اینکه درجه کارایی و اثربخشی نهاد ناظر بازار سرمایه در تصمیم‌گیری‌ها چقدر است؟ دوم و مهم‌تر اینکه، آیا نهاد ناظر به لحاظ حکمرانی و حاکمیتی از جایگاه مؤثری برخوردار است؟ سوم اینکه در تضاد منافع احتمالی، چه راهکارهایی در نظر گرفته شده است؟ با توجه به اینکه بازار سرمایه در سال‌های گذشته فرایند توسعه نامتوازن را دنبال کرده، با گذشت زمان مسائل و موارد حل‌نشده بیشتر از پیش شده است. موضوعاتی که اگر برای آن راهکارهای سریع و متفکرانه پیش‌بینی

نشود، خود به بحران‌هایی تبدیل می‌شوند که برای حل آن نیاز به انرژی و صرف منابع بالایی خواهد بود. توجه به این نکته ضروری است که اگر نهاد ناظر بازار از لحاظ حاکمیتی جایگاه مناسبی داشته باشد، می‌تواند تصمیماتی اثربخشی و همه‌جانبه بگیرد. عدم وجود چنین جایگاهی باعث شده، تصمیم‌گیری در برخی موضوعات خرد همانند دامنه نوسان یا حجم مینا نیز به موضوعات پیچیده و بزرگ تبدیل شود. حال آنکه با توجه به کوچک‌تر بودن بازار در گذشته تصمیماتی بزرگ‌تر از این هم بدون مشکل و بحران اتخاذ شده است. در نتیجه برای بررسی ساختارهای موجود، درک شرایط و محیط حاکم از درجه اهمیت بالایی برخوردار است، لذا امید آن می‌رود که با تعامل سایر بخش‌های اجرایی و تقنینی کشور در کنار دانشگاه گامی در راستای بهبود و حل مشکلات کشور در خصوص بازار سرمایه ایران برداشته شود. از این‌رو در نشست فوق پس از بررسی، ساختار فعلی نهاد نظارتی بازار سرمایه ایران، نقدهای مهم وارده به ساختار فعلی مورد بررسی قرار گرفت و پس از آن ساختار نظارتی کشورهای دیگر همچون آمریکا، انگلستان، آلمان، چین، ژاپن، مالزی، امارات و چین مورد ارزیابی قرار گرفت و در پایان پیشنهادهایی برای اصلاح ساختار ارائه شد. سپس همه اعضای پنل به ارائه نقطه نظرات در خصوص سخنان ارائه شده و بیان دیدگاه و نظرات خود پرداختند.

توصیه‌های سیاستی:

اصلاح قانون بازار اوراق بهادار پس از ۱۶ سال از تصویب آن و با توجه به بازخوردهای اخذ شده لازم است ولیکن لازمه این موضوع انجام مطالعات جامع و با حضور ذی‌نفعان متفاوت است. از مهم‌ترین مواردی که در اصلاح قانون باید به آن توجه کرد:

۱. **حذف شورای عالی بورس و یا اصلاح ساختار آن:** با توجه به اهمیت موضوع بازار سرمایه در اسناد بالادستی و همچنین توسعه ذی‌نفعان بازار، نهاد ناظر همانند گذشته نمی‌تواند به تصمیم‌گیری بپردازد. تصمیم‌گیری‌های مرتبط با بازار سرمایه باید به گونه‌ای باشد که ابعاد مختلف اقتصادی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی را نظر گرفته باشد. از این‌رو جایگاه حاکمیتی رکن نظارتی بازار باید به گونه‌ای باشد که بتواند در شرایط مختلف به صورت

مستقل تصمیم‌های مهم بگیرد. از این رو پیشنهاد می‌شود شورای عالی بورس حذف شده و به جای آن هیئت حاکمیتی نهاد ناظر جایگزین شود. پیشنهادهای بعدی با فرض حذف شورا و جایگزینی هیئت ارائه می‌شود. با این حال پیشنهاد می‌شود در صورتی که در اصلاحیه قانون شورای عالی بورس همچنان در جایگاه خود باقی ماند، سایر پیشنهادهایی که در ادامه ارائه شده در اصلاح شورا انجام شود.

۲. استقلال هیئت حاکمیتی نهاد ناظر یا شورای عالی بورس (در صورت عدم حذف شورا): رکن ناظر بازار سرمایه باید به گونه‌ای باشد که نیازهای همه ذی‌نفعان را در تصمیم‌گیری‌های خود در نظر بگیرد. برای مثال در حال حاضر بر کسی پوشیده نیست که بانک مرکزی به عنوان سیاست‌گذار پولی کشور باید از استقلال برخوردار باشد. همین موضوع در خصوص بازار سرمایه کشور نیز شمولیت دارد. زمانی که در اسناد بالادستی پیش‌بینی شده است که سهم تأمین مالی از طریق بازار سرمایه افزایشی باشد، باید از نظر نظارتی و تصمیم‌گیری این بازار تقویت شده و از نظر حاکمیتی به جایگاه مناسبی برسد. بازار سرمایه ایران برآیند و بازتاب اقتصاد ایران در بخش‌های مختلف صنعتی و خدماتی می‌باشد و با توجه به ساختار دولتی اقتصاد، تصمیمات دولت نقش پررنگی در وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و ریسک سیستماتیک و غیرسیستماتیک دارد. بازار سرمایه لازم است مستقل از تصمیمات سیاسی و بخشی بتواند مانند دیده‌بان اقتصاد کشور بر اساس پیشینه کردن منافع اقتصادی و کاهش ریسک عمل نموده و بر مدیران رده بالای تصمیم‌گیر اثرگذار باشد نه اثرپذیر. از این رو اعضای شورا (هیئت) بهتر است توسط دو قوه کشور (مجریه و مقننه) انتخاب شوند. همانند انتخاب اعضای حقوق‌دان شورای نگهبان که با پیشنهاد رئیس قوه قضاییه و تصویب مجلس است، پیشنهاد می‌شود اعضای شورا با پیشنهاد رئیس‌جمهور (پس از مشورت با کمیته اقتصادی دولت) و تصویب مجلس انتخاب گردند. در انتخاب اعضای شورا باید به دو اصل اساسی دقت شود؛ اول برخورداری از تخصص و تجربه لازم و دوم دولتی نبودن اکثریت اعضا.

۳. توجه به دو موضوع تخصص و تجربه مرتبط در انتخاب اعضا: علاوه بر شیوه انتخاب اعضا، شرایط احراز صلاحیت برای عضویت در شورا (هیئت) نیز مهم است. با توجه به اهمیت تصمیم‌گیری‌های شورا از منظر اقتصادی و همچنین پویایی بازارهای مالی، تخصص و تجربه برای نهاد تصمیم‌ساز بازار موضوعی بسیار مهم است. آشنایی به فرایندهای بازار و تسلط بر شرایط منجر به تصمیم‌گیری‌های دقیق و بهنگام خواهد شد. بررسی سایر بورس‌های معتبر جهان نشان می‌دهد ترکیب افراد هیئت ناظر بورس از بین افراد دارای سابقه مؤثر در نهادهای مالی و تخصص مرتبط و کاربردی در موضوعات مالی انتخاب می‌شوند. در حال حاضر برای عضویت در هیئت مدیره نهادهای مالی در ایران طبق دستورالعمل مدونی شرایط احراز صلاحیت مشخص شده و افراد پس از طی آن تأیید صلاحیت می‌شوند و لذا لازم است برای اعضای شورا (هیئت) که به مراتب نقش مهم‌تر و مؤثرتری دارند نیز شرایط احراز به‌طور دقیق مشخص گردد. پیشنهاد می‌شود اعضای شورا (هیئت) دارای تخصص و حداقل ده سال سابقه مدیریتی در یکی از نهادهای بازار سرمایه باشند تا بتوانند با درک صحیح از شرایط بازار سرمایه در تصمیم‌گیری‌ها مؤثرتر باشند. تعریف دقیق تخصص لازم است؛ صرف داشتن مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری در رشته‌های مرتبط مالی به معنی متخصص بودن فرد نیست بلکه تخصص به معنی کاربردی نمودن و اجرایی کردن تئوری‌ها و علوم می‌باشد و فردی متخصص قلمداد می‌شود که علاوه بر تحصیلات عالیه (از طریق روال عادی تحصیلی نه متأسفانه در برخی موارد اخذ مدرک از طریق پرداخت پول و یا گذراندن دوره تحصیلی بدون مطالعه و کوشش کافی که امروز متأسفانه در بین برخی مدیران مشاهده می‌شود) دارای تجربه مرتبط و عملکرد مناسب باشد. در دنیای مدرن سابقه و تجربه به معنی اینکه چند سال در کدام سازمان کار کردیم نیست بلکه اینکه سازمان را در چه وضعیتی تحویل و در چه وضعیتی تحویل دادیم مهم است. لذا علاوه بر معیارهای ظاهری مانند مدرک تحصیلی و سابقه کاری، لازم است به کیفیت تخصص و دانش افراد توجه تخصصی گردد.

۴. **دولتی نبودن شورا (هیئت):** در صورتی که از نظر جایگاه حاکمیتی هیئت ناظر جایگاه مناسبی داشته باشد و اعضای آن از تخصص و تجربه کافی برخوردار باشند، بخش مهمی از مسیر استقلال طی می‌شود؛ اما در صورتی که این افراد همگی یا اکثریت ایشان از بخش دولتی انتخاب شوند، با وجود استقلال ظاهری، بازهم از نظر گرایش‌های فکری و عملکردی شاهد عدم استقلال واقعی خواهیم بود. در نتیجه برای رسیدن به استقلال واقعی باید اکثریت اعضای شورا (هیئت) از افراد حقیقی فعال در بخش غیردولتی انتخاب شده تا علاوه بر رعایت استقلال، صدای بخش غیردولتی هم در تصمیمات شنیده شود. یکی از معضلات ساختار دولتی ایران به لحاظ نیروی انسانی دائمی بودن قراردادهای می‌باشد که این موضوع به رکود و عدم پویایی افراد منجر می‌شود. ولیکن در کشورهای پیشرفته و در بنگاه‌های اقتصادی موفق چه داخلی و چه خارجی موضوعی که یک فرد را در یک سازمان نگه می‌دارد و باعث رشد وی می‌گردد نوآوری و خلاقیت و انجام درست کار درست (بهره‌وری) می‌باشد. انسان از محیط و افراد پیرامون خود تأثیر زیادی می‌پذیرد لذا چنانچه فردی در یک محیط غیر پویا کار و رشد کرده باشد خلاقیت لازم برای ایجاد تغییر را ندارد. علاوه بر مباحث رفتار سازمانی و فردی، انتخاب افراد از بخش دولتی، شورا (هیئت) را مانند یک اداره دولتی نموده و اعضا خود را مکلف به اجرای نظرات مافوق خود می‌دانند. در صورتی که در خصوص مباحثی که با تصمیمات انسان‌ها مواجه است همانند امور مالی و سرمایه‌گذاری خلاقیت و ژرف‌اندیشی لازم است تا بتواند با محیط پویا تعامل و متناسب با بازخورد و شرایط کلان و متغیرهای مرتبط اصلاح رویه کند.
۵. **رعایت اصل عدم تضاد منافع:** مدیریت تضاد منافع به عنوان یکی از موضوعات مهم در جهت ارتقای سلامت بازار سرمایه است. در مطالب مذکور در این توصیه‌نامه سیاستی تأکید بر به کارگیری افراد مرتبط و دارای تخصص و تجربه کافی در حوزه بازارها و نهادهای مالی شد ولیکن با توجه به وجود امتیازهای گوناگونی مانند مجوزها که توسط شورا و یا سازمان بورس اعطا می‌شود و یا موضوع نظارت بر فعالان بازار که به عهده سازمان است موضع تضاد منافع به طور جدی مطرح است. مطالعه سایر بورس‌های معتبر

جهانی نشان می‌دهد به کارگیری افراد مرتبط و متخصص به عنوان اصل قطعی اجرا می‌شود ولیکن همان‌طور که در خصوص مسئله نمایندگی ((AGENCY PROBLEM در اداره بنگاه‌های اقتصادی برای آن راهکار در نظر گرفته شده است و در تمامی مهر و موم‌ها به طور مستمر فرایندها و راهکارهای مقابله با این مسئله بهبود پیدا کرده‌اند در خصوص تضاد منافع نیز این چنین است و با ایجاد ساختار حکمرانی مناسب مبتنی بر شفافیت تا حدود زیادی این موضوع کنترل شده است. در این راستا ضمن تعیین بایدها و نبایدهای تصمیم‌گیری در شرایط تضاد منافع، باید راهکارهایی در راستای مصون‌سازی بازار از تصمیمات این‌چنینی تعریف شود. به این منظور باید «دستورالعمل رعایت عدم تضاد منافع» تعریف و نگارش شود که در نتیجه آن شرایط به گونه‌ای باشد که عضو مربوطه در یک موضوع تصمیم‌گیری از تصمیم خاص کنار گذاشته شود.

۶. **تفکیک دبیر شورا (هیئت) از ریاست سازمان بورس:** در شرایط کنونی رئیس سازمان بورس به عنوان دبیر و سخنگوی شورای عالی بورس تعیین می‌شود. شورا (هیئت) بالاترین رکن بازار سرمایه است و نقش کلیدی آن تعیین راهبردهای بازار سرمایه و نظارت بر کار سازمان بورس می‌باشد، در نتیجه هر نوع همگرایی بین کار شورا و سازمان بورس می‌تواند مانع از استقلال و عدم تضاد منافع باشد. از این رو دبیر شورا می‌بایست شخصیت حقیقی مستقل، تمام‌وقت و زیر نظر شورا فعالیت کند تا موضوع استقلال و عدم تضاد منافع به درستی رعایت گردد.

۷. **چرخشی بودن انتخاب اعضا:** با توجه به اهمیت بالای شورای (هیئت) در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بازار سرمایه کشور، رسوب نیروی انسانی می‌تواند فرایند تصمیم‌گیری را از حالت پویای خود خارج کند. استفاده از اندیشه جدید و چرخش افراد می‌تواند به راهبری بازار سرمایه کمک کند. از طرفی چرخش سریع نیروها و تغییرات کوتاه‌مدت می‌تواند ساختار کلی تصمیم‌گیری را با چالش مواجه سازد. از این رو لازم است هر دو سال، یک‌سوم اعضای شورا تغییر کند. این موضوع باعث پویایی همگام با حفظ ساختار تصمیم‌گیری شورا می‌گردد.

۸. تفویض اختیارات بیشتر به بورس‌ها برای ایفای نقش اجرایی بیشتر و ایفای نقش صرفاً نظارتی توسط سازمان: با توجه به توسعه ابزاری و نهادی بازار سرمایه و همچنین افزایش اقبال مردم به بازار، تعداد چالش‌ها افزایش یافته است. چالش‌ها و موضوعات راهبردی یا عملیاتی که نیاز به تصمیم‌گیری و اجرا خواهند داشت. در صورتی که سازمان بورس به عنوان نهادی که بر حسن اجرای قوانین نظارت دارد، در تصمیم‌گیری‌های خرد و عملیاتی بازار دخالت کند، این موضوع موجب عدم تمرکز و کاهش بهره‌وری در تصمیم‌گیری خواهد شد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود موضوعات عملیاتی به شرکت‌های بورس تفویض شده تا این شرکت‌ها با استفاده از توان مدیریتی و دانش فنی خود در اجرای قوانین عملکرد بهتری داشته و سازمان نیز با تمرکز بر موضوعات راهبردی و کلان بتواند نقش آفرینی بهتری در توسعه کمی و کیفی بازار سرمایه از طریق تدوین سیاست‌های درست در خصوص آینده بازار، کمک به شورا (هیئت) در خصوص طراحی و توسعه ابزارها و... داشته باشد. یکی از موضوعات مهم در خصوص بورس‌ها فعالیت‌های مشابه بین بورس و فرابورس و یا بورس کالا و بورس انرژی و در خیلی از اوقات رقابت منفی بین آن‌ها بوده است. البته شدت این موضوع در زمان‌های مختلف متفاوت بوده است. یکی از موضوعات مهم در خصوص داشتن بورس‌های مختلف بحث تمایز (DIFFERENTIATION) است. این موضوع باید در مأموریت و راهبردهای آن‌ها مشخص گردد و نهاد سیاست‌گذار از طریق بورس‌های مختلف بتواند هم‌افزایی ایجاد کند. متأسفانه این رقابت و یا دوباره کاری و اتلاف وقت فقط بین بورس‌ها نیست و در مواردی بین بورس‌ها و سازمان بورس نیز مشهود است. اصلاح ساختار کلان بازار در این خصوص ضروری است.

۹. اصلاح فرایند رسیدگی به تخلفات و ارکان رسیدگی‌کننده: همان‌طور که در مبحث قوانین مرتبط با بازار سرمایه بیان شد، توسعه هرچه بیشتر بازار و افزایش تعداد فعالین، موجب می‌شود که فرایندها و روندهای گذشته تا حد زیادی پاسخگوی شرایط جدید نباشد. فرایند رسیدگی به تخلفات یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که باید هم‌راستا با اصلاح

قانون بازار سرمایه، اصلاح شود. آسیب‌شناسی وضع موجود و استفاده از تجارب بین‌المللی می‌تواند به تدوین فرایندهای کارا و مؤثر بینجامد. موضوع نظارت در سه مرحله پیش اجرا، حین اجرا و پس از اجرا مطرح است. اگر مقرراتی نامناسب تصویب گردد باعث افزایش تخلفات خواهد شد. در طول این مهروموم‌ها به دلیل تعدد آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها با کتاب قطوری از مقررات مواجهیم در صورتی که نه آموزش لازم داده شده است و نه در یک سطح کلان‌تر وجوب برخی از آن بررسی شده است. لذا شاهد حجم زیادی از پرونده تخلفات در مراجع رسیدگی‌کننده و یا اختلاف در هیئت داوری هستیم. جرائم مالی موضوعی پیچیده می‌باشد که در تمام دنیا به لحاظ تخصصی یک تخصص بین‌رشته‌ای است که لازم است علاوه بر تخصص حقوقی، تخصص و تجربه مالی و اقتصادی وجود داشته باشد. چه‌بسا که به تخلف یا جرمی سبک و یا دارای اهمیت کم، بیشتر از اصل موضوع به آن پرداخته شده است ولیکن جرائم و تخلفاتی که سلامت و اعتماد بازار را خدشه‌دار کرده است خیلی به آن به دلیل نقص ساختاری رسیدگی نشده است. بحث نظارت بر خود نهادهای ناظر در دنیا نیز موضوع مهم و جدی است که در ایران برای آن سازوکار لازم و تخصصی دیده نشده است.

پیشنهاد تأسیس خوشه مشورتی بازار سرمایه

موضوعاتی که بیان شد همگی به‌منظور اصلاح ساختار نظارتی بازار سرمایه بودند. درحالی‌که علاوه بر اصلاح قانون، موارد مهم دیگری همانند تعیین و اصلاح ساختار اجرایی سهام عدالت، ریزساختارهای بازار سرمایه، نقش بازار سرمایه در تأمین مالی بنگاه‌ها، نقش بازار سرمایه در اجرایی کردن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و بین‌المللی شدن بورس مطرح است. مواردی که در سال‌های گذشته جزء موضوعات مهم بوده و با گذشت زمان بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. در بسیاری از این موارد شاهد مطالعات خوب دانشگاهی در قالب طرح‌های پژوهشی و یا پایان‌نامه و مقالات هستیم. موضوعاتی که از ابعاد مختلف موضوع را بررسی کرده و با روش‌های علمی نتایج را آزمون کرده‌اند. با وجود این، به دلیل عدم پیوند مناسب

بین دانشگاه و نهادهای تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار از جمله وزارت اقتصاد یا شورای عالی بورس، نتایج این تحقیقات در اجرا به کار گرفته نمی‌شود. لذا پیشنهاد می‌گردد خوشه‌های مشورتی بازار سرمایه با محوریت دانشگاه علامه طباطبائی و همکاری وزارت اقتصاد، سازمان بورس و کمیسیون اقتصادی مجلس و نهادها و افراد حرفه‌ای ذی‌صلاح تشکیل گردد تا در قالب کارگروه‌های تخصصی موضوعات پیگیری گردند. خوشه مذکور نقش اتاق فکر وزارت اقتصاد را ایفا خواهد کرد.